

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «مالیات»

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۱۰۶

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۲۷



شناسنامه

عنوان:

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
بررسی مفهوم «مالیات»

مؤلف:

حسین محمدی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۱۰۶

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۱۱/۲۷

پژوهشکده شورای نگهبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه	۳
چکیده	۴
۱- درآمد	۴
۲- واژه شناسی	۵
۱-۲ معنای لغوی	۵
۲-۲ معنای اصطلاحی	۵
۳- مفاهیم مشابه	۶
۳-۱ درآمد عمومی	۶
۳-۲ عوارض	۶
۴- تاریخچه اجمالی	۷
۵- اقسام و انواع	۸
۵-۱ مالیاتهای نوین	۹
۵-۱-۲ مالیات بر ارزش افزوده	۹
۵-۲ مالیاتهای عبادی یا اولیه	۱۰

- ۶- مبانی فقهی و حقوقی اخذ مالیات ۱۳
- ۶-۱- مبانی فقهی ۱۳
- ۶-۲- مبانی حقوقی ۱۶
- ۶-۳- مالیات در حقوق داخلی ایران ۱۷
- ۷- جمع بندی ۱۹
- منابع مرتبط جهت مطالعه بیشتر ۲۰
- منابع و مآخذ ۲۱

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنی نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی بر مدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام‌سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی مرکز تحقیقات شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام‌سازی اسلامی برداشته شود.

(مالیات - ضریب - Tax)

چکیده

مالیات به عنوان مهمترین بخش تامین درآمدهای عمومی دولت محسوب می‌شود و به اصطلاح مبلغی است که به صورت اجباری از سوی مقامات صلاحیتدار عمومی اخذ می‌گردد و در قبال آن چیزی مستقیماً به شهروندان اعطاء نمی‌شود. این نهاد مالی با مفهوم حکومت عجین بوده و هیچ حکومتی بدون تامین هزینه‌های عمومی خود قابلیت بقا ندارد. به همین سبب تاریخچه مالیات بسیار کهن و پرفراز و نشیب بوده است. هر چند مالیات‌ها به شیوه‌های مختلفی اخذ شده‌اند ولی می‌توان آنها را به دو نوع کلی مالیات مستقیم و غیر مستقیم دسته‌بندی نمود. این نهاد مالی در قوانین ایران یکی از پرفراز و نشیب‌ترین مباحث قانونی است و صدها مصوبه پیرامون آن شکل گرفته است. از لحاظ مبانی فقهی مالیات‌ها به دو دسته عبادی و حکومتی دسته‌بندی می‌شوند. مالیات‌های عبادی مسلماً مشروعیت لازم را دارند ولی از لحاظ ماهوی گاهی منطبق با مفهوم مالیات نیستند. در مورد مالیات‌های حکومتی نیز باید قائل بود که هر چند مالیات به مفهوم فعلی آن در کتاب و سنت، مورد جعل شارع قرار نگرفته ولی از طریق ادله عقلی، احکام ثانویه و ادله ولایت به طرق مختلف قابل تایید هستند.

۱- درآمد

مهمترین راهکار تامین هزینه‌های عمومی اخذ مالیات است. با ظهور اسلام مالیات مرسوم در کنار نهادهای مالی همچون خمس، زکات که به مالیات‌های اولیه مشهورند؛ مطرح می‌شود. لزوم اخذ مالیات از یک سو و فقدان نص صریح در جواز اخذ مالیات‌های حکومتی مسئله‌ای است که اندیشمندان بسیاری را با دشواری روبرو نموده است. به عبارت دیگر وجود مالیات‌های دوگانه در سیاست‌های مالی کشور، نظام مالیات ستانی را با تردیدهای جدی مواجه نموده است. برخی از اندیشمندان عدم جواز اخذ مالیات‌های حکومتی را پذیرفته‌اند در مقابل نظر مشهور با استناد به احکام ثانویه، ادله ولایت و... بر جواز اخذ مالیات‌های حکومتی صحنه گذاشته است. در زمینه مالیات‌های حکومتی منابع بسیاری تدوین یافته است ولی در زمینه مالیات‌های عبادی حداقل در حقوق کشورهای غربی مدخلی

وجود ندارد. آنچه که در این منابع بیشتر مد نظر قرار گرفت نحوهٔ تجميع مالیات‌های اولیه و حکومتی بود زیرا مهمترین سوالات پیرامون مالیات عمدتاً در باب اخذ مالیات‌های مضاعفی است که سیستم مالیات ستانی دوگانه فعلی بر مودیان تحمیل می‌نماید. در هر حال در این تحقیق سعی شده تا ضمن معرفی اجمالی نهاد مالیات، مهمترین سوالات پیرامون مبانی مشروعیت این نهاد مالی مطرح گردد.

۲- واژه شناسی

۲-۱- معنای لغوی

مالیات معادل کلمه «ضَرَبَةُ» در زبان عربی و «Tax» در زبان انگلیسی می‌باشد. در فارسی باستان بیشتر به عنوان «گزیت» و بعدها با عنوان «باج» و «خراج» مرسوم بوده است. به گفته برخی «گزیت» با گذشت زمان معرب «جزیه» قرار گرفته و از مفهوم اصلی خود منحرف شده است (کلاتری، ۱۳۷۴: ۱۱). از لحاظ لغوی مالیات الزام شهروندان به پرداخت مقداری وجه نقد از سوی دولت است که بر اساس میزان درآمد افراد، ارزش دارئی‌ها و... تعیین و به عنوان بهای خدمات دولت به شهروندان تلقی می‌گردد (وبسترن، ۲۰۱۳: ۱۳۰۵). همچنین در تعریفی دیگر از مالیات به عنوان تعهدی عمدتاً مالی که دولت بر شهروندان، نهادها، معاملات یا دارایی‌ها وضع می‌کند تا درآمدهای عمومی را تامین نماید، نام برده شده است. (Garner, 2009: 1623) از لحاظ تاریخی نیز مالیات معادل باج، خراج، مالیه، ارتفاع، گزیت و... در گذشته بوده است. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲۵۱).

۲-۲- معنای اصطلاحی

دیوید هیوم^(۱) مالیات را بهاء خدماتی می‌داند که از دستگاه دولت عاید افراد می‌شود. منتسکیو^(۲) نیز مالیات را بخشی از دارائی اشخاص می‌داند که برای استفاده آسوده از دارایی خود باید به دولت بپردازند. (رضایی زاده، ۱۳۸۸: ۱۵۰). در علم حقوق مالیات تعهدی است عموماً سالانه که پرداخت آن از سوی شهروندان بر اساس منافع حاصله، درآمدهای آنها و غیره در قبال هزینه‌ها و مخارج عمومی بر اساس قانون، الزامی تلقی شده است (Gibbon,

1. David Hume
2. Montesquieu

(2: 2011). در کل باید گفت که تمامی مباحث و تعاریف ارائه شده باید از این دریچه نگریسته شوند که مالیات بخشی از درآمدهای عمومی است، در نتیجه مالیات از مباحث مالیه عمومی محسوب می‌شود. تئوری کامل مالیه عمومی بدون شک از تئوری هزینه‌ها، تئوری درآمد و نظریه‌ای که مبین ارتباط ما بین هزینه‌ها و درآمدهاست تشکیل می‌شود. تئوری درآمد حداقل متضمن چندین تئوری است که منطبق بر بخش‌های مختلف درآمدهای عمومی است زیرا بنیانهای تامین دارآمدهای عمومی با یکدیگر متفاوت هستند و مهمترین بخش این دارآمدها از طریق مالیات تامین می‌شود (Jones, 2009: 36)۔ (57). در نتیجه باید گفت که تعریف دقیق‌تر مالیات این گونه تبیین شده: «مبلغی است که به صورت اجباری از سوی مقامات صلاحیتدار عمومی اخذ می‌گردد و در قبال آن چیزی مستقیماً به شهروندان اعطاء نمی‌شود». (Murphy, 2002: 2) تقریباً در تمامی تعاریف مالیات حاصل زور و اجبار دولت است که در ازاء آن کالا یا خدمتی خاص مبادله نمی‌شود. (نادران، ۱۳۸۷: ۱۶۸).

۳- مفاهیم مشابه

۳-۱- درآمد عمومی

درآمد عمومی از جمله مفاهیمی است که با مفهوم مالیات ارتباط نزدیکی دارد ولی باید در نظر داشت که درآمدهای عمومی مفهومی عام است و از طریق اخذ مالیات، جریمه‌های مالی، تصدی بر صنایع متعلق به بخش عمومی، درآمدهای اتفاقی و... تامین می‌شود و مالیات فقط بخشی از آن است. البته باید توجه داشت که در کشورهای توسعه یافته، مالیات مهمترین بخش درآمدهای عمومی می‌باشد و نقش اصلی در تامین هزینه‌های دولت را به عهده دارد (Fillebrown, 2010: 46)

۳-۲- عوارض

عوارض از دیگر اصطلاحاتی است که در حقوق ایران در کنار واژه مالیات مورد استفاده قرار گرفته است. واژه «عوارض» در قوانین ایران مفهومی نارسا است که قانونگذار از آن در موارد متعدد استفاده نموده است. به عنوان مثال در «قانون معافیت اجناس وارداتی سازمان تعاون مصرف کادر نیروهای مسلح شاهنشاهی از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و سایر

عوارض مصوب ۱۳۵۳» عوارض با یک مفهوم و در «قانون بلدیہ مصوب ۱۳۰۹» با مفهومی دیگر بکار برده شده است. در کل باید گفت این واژه در اکثر موارد معادل مالیات است. در واقع عوارض ماهیتاً با مالیات تفاوتی ندارد جز اینکه استعمال واژه عوارض عرفاً به نوعی خاص از مالیات اشاره دارد که به شهرداری‌ها و خدمات آنها تخصیص یافته مانند «قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷» که مقرر داشته «بر کلیه اراضی و ساختمانها و مستحدثات واقع در محدوده قانونی شهر عوارض خاص سالانه به مآخذ پنج‌در هزار... برقرار می‌شود.» و بیانگر عدم تفاوت در ماهیت این دو نهاد مالی است. برخی نیز با استناد به قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۰۹، عوارض را نوعی مالیات غیر مستقیم دانسته اند که برای مصارف بلدی (مصارف شهرداری‌ها) وضع شده است (بی نا، ۱۳۳۰: ۱۴۶۴). در بسیاری مواقع نیز عوارض به مالیاتی اطلاق میشود که در مقابل خدمت خاصی از سوی دولت اخذ می‌گردد. در هر حال مالیات در مفهوم عام خود شامل عوارض نیز می‌شود ولی مالیات به مفهوم اخص با عوارض دو تمایز اساسی دارد. از یک سو محل مصرف مالیات مشخص نیست و به طور مبهم در قبال ارائه خدمات عمومی اخذ می‌گردد در حالی که عوارض عمدتاً مصارف مشخصی دارد و از سوی دیگر مالیات در قبال چیزی اخذ نمی‌گردد ولی عوارض عوض خدمات مشخصی برای ذینفع می‌باشد. در هر حال اصولاً این تمایزات در ماهیت امر تفاوت ایجاد نمی‌کنند کما اینکه عوارض گمرکی نوعی مالیات غیر مستقیم تلقی می‌گردد (توکلی، ۱۳۸۷: ۲۱۷).

۴- تاریخچه اجمالی

یکی از مفصل‌ترین بحث‌های تاریخی، بحث از مالیات است که همیشه با مفهوم حاکمیت عجین بوده، در نتیجه بحث از تاریخچه مالیات از کشور به کشور دیگر، حتی از دهه تا دهه دیگر و از نوع مآخذ مالیاتی به مآخذ دیگر بسیار متفاوت است. ولی برخی از برهه‌های تاریخی مهم به طور بسیار مختصر ذکر می‌گردد:

اخذ مالیات در جوامع بشری نماد مدنیت بوده است. به دلایلی همچون ثبت ضعیف وقایع تاریخی تمدن‌های کهن و ساختار اجتماعی و فرهنگی خاص آنها، نمی‌توان نقطه‌ای دقیق را به عنوان آغاز اخذ مالیات تعیین نمود. آنچه از تمدن‌های کهن برداشت می‌شود این است که پرداخت «خراج» هم به عنوان مشارکت دینی و هم به عنوان تحمل هزینه‌های

حکومت تلقی گشته است. به همین سبب پادشاهان در این دوره تاریخی به عنوان خداوندگار یا حداقل یک مقام قدسی، مورد احترام واقع شده اند و اخذ خراج نیز بالطبع آمیخته ای از این دو برداشت بوده است (Murphy, 2002: 21,23) لذا برخی معتقدند در ابتدا از مالیات به عنوان یک هدیه تعبیر شده و داوطلبانه از سوی شهروندان برای تامین هزینه های دولت پرداخت می شده است و بعدها دارای ماهیت الزام آور شده است. (20: 2010 Fillebrown,

مهمترین مآخذ مالیاتی در دوران باستان مالیات بر دارایی بوده است. یکی از اولین آثار چنین مالیاتی به مالیات بر زمین در آتن بر می گردد. این مالیات ۵۹۶ سال قبل از میلاد مسیح و در زمان سلون^(۱) وضع شده است. که در ابتدا به زمین و خانه تعلق گرفته و حدود ۲ قرن بعد آنچنان توسعه یافته که شامل بردگان، احشام، لوازم منزل و وجوه نقد افراد می شده است. در امپراتوری رم نیز در ابتدا مالیات فقط بر زمین وضع می شد زیرا درآمد افراد عمدتاً از کشاورزی تامین می شد. سپس این مالیات شامل تمامی دارایی های شخصی افراد شد. (3: 25-Murphy, 2002)

در ایران باستان نیز مالیات ابتدا به صورت جنسی دریافت می شد و سپس در زمان هخامنشیان مالیات بالاجبار صرفاً به صورت شمش طلا دریافت شد. این مالیات نیز بیشتر بر محصولات کشاورزی وضع می شد و مالیات هر دهیاه (استان) به صورت جداگانه بر اساس فرمان شاه و اصول عدالت وضع می شد. در واقع مالیات هر استان براساس تحقیقاتی بود که از وضع آب و هوا، نوع و مقدار محصول و سایر موضوعات مرتبط با میزان درآمد مردم آن منطقه بدست می آمد. همچنین برای سامان بخشی به امور مالیاتی و هدایا یک سازمان مرکزی دارایی با شعب متعدد، تاسیس شده بود. نهایتاً این مالیات در توسعه آبادانی، حمایت از کشاورزی، توسعه آبیاری و سایر حوزه های خدمات عمومی صرف می شد. (جاوید، ۱۳۸۸: ۱۲۴-۱۲۶)

۵- اقسام و انواع

در خصوص اقسام مالیات، با دو مبحث عمده مالیات های اولیه یا عبادی و مالیات های حکومتی مواجه هستیم. مالیات های اولیه دارای منشاء جعل مشخص در کتاب و سنت

هستند ولی مالیات‌های حکومتی به طور مشخص مورد جعل شارع قرار نگرفته اند و جعل آنها بر مبنای استنباط عقلی و یا حقوقی استوارند.

۵-۱- مالیات‌های نوین

مالیات‌ها از لحاظ نحوه پرداخت به دو نوع مستقیم و غیر مستقیم تقسیم می‌شوند. مالیات مستقیم مالیاتی است که بر دارایی یا درآمد (مشخص یا اتفاقی) مودی وضع می‌شود. اما مالیات غیر مستقیم بر مصرف خاص یک شهروند در زمان استفاده از کالا یا خدمات معین شده، دریافت می‌گردد. عوارض و حقوق گمرکی، مالیات بر فروش، مالیات بر خدمات مهمترین نوع از مالیات‌های غیر مستقیم هستند (Balachandran, 2012: 213). از لحاظ مآخذ مالیاتی مالیات‌ها تقسیم بندی متنوعی دارند که مهمترین آنها عبارتند از:

۵-۱-۱- مالیات بر درآمد

درآمد عبارتست از هر نوع عایدی که نصیب شخص می‌شود مانند درآمد مشاغل، درآمد اتفاقی و سایر درآمدها (Lal Braj, 2012: 16). طبق قوانین مالیاتی ایران مالیات بر درآمد مشاغل عموماً درصدی خاص از مازاد مقدار درآمد مالیاتی معاف است و با نرخ‌های متفاوتی اخذ می‌گردد. این دسته بندی کلی شامل مآخذ مالیاتی متفاوتی من جمله مالیات بر درآمد اتفاقی مانند مالیات بر جایزه، هبه و امثال آن نیز می‌شود^(۱).

۵-۱-۲- مالیات بر ارزش افزوده

ارزش افزوده عبارت از ارزشی است که یک تولید کننده (یا یک مالک صرف) به یک ماده خام قبل از فروش آن، می‌افزاید. این ارزش افزوده ممکن است صرفاً ناشی از فروش و بدون هیچگونه تغییری در ارزش واقعی کالا ایجاد شده باشد. به طور خلاصه ارزش افزوده، ما به التفاوت قیمت خرید و فروش چیزی تلقی شده است. دو نوع نگرش کلی به این مآخذ مالیاتی وجود دارد: نگرش افزایشی^(۲) که مبین حاصل جمع ارزش افزوده‌ها مانند جمع ما به التفاوت ارزش نخ از پارچه و پارچه از پیراهن، است و نگرش کاهششی^(۳) که حاصل کاهش قیمت مواد اولیه از محصول نهایی است مانند کسر قیمت الیاف پارچه از

۱. قانون مالیات‌های مستقیم، ماده ۱۱۹.

2. additive

3. subtractive

پیراهن دوخته شده به عنوان محصول نهایی (Tait, 1988: 4).

۵-۱-۳. مالیات بر دارایی

مالیات بر دارایی به مالیاتی اشاره دارد که بر زمین و عوارض آن وضع می‌شود. زمین‌های بایر و دایر با شیوه‌های متفاوت مد نظر این مآخذ قرار گرفته‌اند (Netzer, 2003: 7). در قانون مالیاتهای مستقیم سابق نیز مالیات سالانه اموال، مالیات مستغلات مسکونی خالی و مالیات بر اراضی بایر همگی بیانگر این نوع مالیات بوده‌اند. این نوع مالیات شامل مالیات بر ارث^(۱)، مالیات بر مالکیت فکری و سایر دارایی‌های مالی نیز می‌شود.

۵-۲. مالیات‌های عبادی یا اولیه

در اقتصاد اسلامی افراد مکلف به پرداخت وجوه متفاوتی همچون خمس، زکات، کفاره، خراج، جزیه و عشریه هستند. ولی آیا این پرداخت‌ها با مفهوم مالیات حکومتی تطابق دارند؟ به طور کلی مالیات‌های اولیه در قیاس با مالیات‌های حکومتی از لحاظ ماهیت، اثر و کارکرد با پاره‌ای ایرادات مواجه شده‌اند. منشاء مالیات حکومتی قوه قانونگذاری است. در نتیجه به دولت پرداخت می‌گردد ولی مالیات‌های اولیه در اختیار رسول خدا (ص) و اولی الامر است و حتی در حالت عدم تشکیل حکومت نیز اخذ می‌شوند. به عبارت ساده‌تر مالیات حکومتی به دولت تخصیص می‌یابد ولی عمده مالیات‌های اسلامی قائم به شخص است. البته نحوه مصرف این وجوه در امور عام المنفعه سبب شده که این ایراد سبب اخلاف در ماهیت محسوب نشود چرا که در نهایت این مالیات‌های اولیه نیز باید در امور عمومی هزینه گردند.^(۲) در مالیات‌های حکومتی نرخ و مصرف مالیات بیشتر بر اساس نیاز دولت تعیین می‌گردد و در حیطه مباحث اقتصاد علمی است ولی مالیات‌های اسلامی عمدتاً دارای نرخ ثابت و در جهت تحقق عدالت اجتماعی می‌باشند و علاوه بر اینکه در حالت عدم تشکیل حکومت نیز جریان می‌یابند^(۳) بلکه برخی از مالیات‌های اسلامی مانند زکات و

۱. قانون مالیات‌های مستقیم، فصل ۴

۲. لزوم پرداخت مالیات‌های شرعی یا اولیه به اشخاص خاص نیز میتواند یکی از ادله انحصار مشروعیت حکومت از سوی ایشان تلقی گردد.

۳. البته با عنایت به ضروری بودن تشکیل حکومت در اسلام، مبنای اخذ این مالیات‌ها نیز میتواند لزوم وجود مستمر حکومت مشروع اسلامی تلقی گردد. برای مطالعه در این خصوص به واژه «حکومت» از همین

بخشی از خمس می‌تواند توسط خود مودی در جهات معین شده شرعی، مصرف گردد. (حبیبیان نقیسی، ۱۳۹۰: ۳۵-۳۶).

از سوی دیگر ادعا شده که مالیات‌های اسلامی از منظر حقوقی، الزامی نیستند، ولی هم از لحاظ تاریخی و هم از لحاظ مبانی اقتصادی اسلام دلایلی در رد این ادعا مطرح شده است. به عنوان مثال بیان شده الزام شرعی، مبنای الزام قانونی است و قاعدتا پرداخت مالیات‌های اسلامی ضمانت اجرای کافی را دارا می‌باشند. (لشکری، ۱۳۸۰: ۵۵). هر چند که مجال طرح بحث به صورت مبسوط وجود ندارد ولی باید اذعان نمود که مالیات‌های اسلامی حداقل در برخی از جهات همچون عبادی بودن، هدف خاص رفع فقر، اخذ به صورت کالا و نه وجه نقد در پاره ای از موارد، داشتن نرخ‌های ثابت در کنار معافیت‌های خاص، پرداخت به اشخاص بجای پرداخت به دولت در برخی از موارد و موارد دیگری از این دست، منطبق با مفهوم مالیات‌های نوین حکومتی نیستند و می‌توان آنها را از دایره مفهوم نوین مالیات خارج دانست. اما همچنان از جهات دیگری همچون اجباری بودن، یک طرفه بودن، داشتن مصرف معین، داشتن معافیت‌های خاص، نهادهای شبه مالیاتی تلقی می‌گردند. (پورفرج، ۱۳۹۰: ۹۳-۹۶). برای بررسی دقیق‌تر، چهار نوع از مهمترین مالیات‌های اسلامی مورد بررسی اجمالی قرار می‌گیرند.

۵-۲-۱. خمس و زکات

زکات مقدار معینی از مال است که اخراج آن از دارایی فرد با شرایط ویژه، از سوی شارع تکلیف گردیده و یا یک حق مالی است که در وجوب آن نصاب مخصوص معتبر گردیده است. به طور کلی می‌توان گفت که زکات حق مالی است که در مالی خاص یا بر فردی خاص برای پاک نمودن مال یا فرد معین، تشریع گردیده است (منتظری، ۱۳۸۹: ۳۱-۳۳). خمس نیز واجب مالی است معادل یک پنجم که در شرع اسلام برای اموری خاص وضع گردیده و در صورت احراز شرایط یک پنجم دارایی فرد مشمول خمس می‌گردد. در واقع خمس نوعی مالیات بر دارایی با شرایط خاص خود می‌باشد (منتظری، ۱۳۸۹: ۹۴).

خمس و زکات در قیاس با مالیات‌های حکومتی، وضعیت مشابهی دارند (کیاء الحسینی، ۱۳۸۹: ۳۷). مهمترین ایرادی که برای مالیات محسوب نمودن این دو نهاد وارد شده عدم الزامی بودن آنها است. در رد این ایراد علاوه بر استناد به دلیل سابق می‌توان به سابقه تاریخی آن نیز رجوع نمود. زیرا در زمان حضرت رسول (ص)، مامورینی خاص برای جمع آوری وجوهات شرعی تعیین گردیده بودند و به طور ضمنی ماهیت الزام آور این وجوهات متبادر به ذهن گردیده است. علاوه بر این ایراد شده که خمس و زکات به دولت پرداخت نمی‌گردد بلکه به اشخاص خاص (فقیه جامع الشرایط) پرداخت می‌گردد ولی این ایراد نیز مورد تعدیل قرار گرفته است زیرا در زمان حضرت رسول (ص)، آن حضرت به عنوان نماینده دولت اسلامی وجوه را اخذ و بیت المال را سامان بخشیده اند و تعلق به فقها در زمان غیبت به دلیل عدم وجود امام معصوم و لزوم جریان یافتن عدالت اسلامی یا دلیلی بر مشروعیت اعمال حکومت از سوی فقها بوده است. با توجه به مطالب مذکور این دو نهاد مالی را می‌توان نوعی مالیات خاص تلقی نمود. (لشکری، ۱۳۸۰: ۵۸).

۵-۲-۲- جزیه

جزیه مبلغی است که از اهل کتاب در قبال اقامت در بلاد اسلامی و حفظ امنیت و جلوگیری از تعرض به آنها، اخذ می‌گردد (نجفی جواهری، ۱۳۷۸: ۲۲۷). جزیه هم بر رئوس و هم بر اراضی وضع شده است و طبق نظر امام معصوم در مصالح مسلمین صرف می‌شود. ایراد عمده ای که جهت مالیات تلقی نمودن این نهاد به آن وارد شده این است که جزیه در قبال منفعتی خاص اخذ می‌شود و اهل کتاب برای تامین امنیت خود و استفاده از امکانات جامعه اسلامی آن را می‌پردازند در حالی که مالیات در قبال خدمتی خاص قرار نمی‌گیرد. البته این ایراد وارد نیست زیرا واضح است که نمی‌توان ادعا نمود که مشخصا این دو خدمت در قبال جزیه قرار گرفته است. (لشکری، ۱۳۸۰: ۸۸). از سوی دیگر همانگونه که در تعریف مالیات بیان شد مالیات نیز به منظور ارائه خدمات عمومی اخذ می‌گردد و تعلق مبالغ اخذ شده به خدمت عمومی خاص منجر به خروج آنها از تعریف مالیات نخواهد شد.

۵-۲-۳- خراج

خراج اجرتی است که بر زمینی که با جنگ فتح شده بسته می‌شود. این زمین ها به

صلاح‌دید حاکم به شکل قرارداد در اختیار افراد قرار می‌گیرند به همین سبب به مال القبالات و یا شرط القباله معروف شده است. مهمترین ایراد بر مالیات بودن این نهاد این است که مالیات‌ها یک طرفه و از جمله اعمال حاکمیتی دولت هستند و قراردادی بودن این نهاد مالی آن را به طور کلی از ماهیت خود خارج می‌سازد و مالیات نداشتن این نهاد مالی به ماهیت آن نزدیک تر است. (لشکری، ۱۳۸۰: ۹۷).

۶- مبانی فقهی و حقوقی اخذ مالیات

در این مبحث به مبنای مشروعیت اخذ مالیات پرداخته می‌شود.^(۱) باید توجه داشت هم از لحاظ فقهی و هم از لحاظ بسیاری از مکاتب فکری، اصل ابتدایی و اولیه، مالکیت و تسلط فرد بر دارائی متعلق به خود است و اخذ مالیات بالطبع باید با ادله خاصی مجاز شمرده شده باشد.

۶-۱- مبانی فقهی

همانگونه که بیان شد در میان درآمدهایی که در منابع فقهی برای دولت اسلامی شمرده شده هیچ اشاره ای به مالیات نشده و از عناوین دیگری همچون زکات، خمس، خراج (اجاره زمین های دولتی)، جزیه نام برده شده است که همانگونه که بیان شد هر یک از این عناوین مبانی فقهی خاص خود را داشته و جزو دارایی های دولت اسلامی محسوب میشوند. (دوانی، ۱۳۹۰: ۱۳۰) لذا در نگاه اول می‌توان بیان داشت اصل اخذ مالیات به مفهوم جدید آن، بر حسب قواعد اولیه جایز نیست و دولت حق اخذ مالیات را از مردم نخواهد داشت. زیرا طبق قاعده، تصرف در اموال دیگران بدون اذن آنها جایز نیست (بهداروند، ۱۳۸۵: ۲۹۳-۲۹۶). با این وجود برخی از فقها با دلایل متعددی از این قاعده اولیه عدول نموده اند که در اینجا به اهم این دلایل اشاره میشود:

۶-۱-۱- ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

۱. با عنایت به اجتهادی بودن مباحث مربوط به ادله فقهی اخذ مالیاتهای عبادی یا اولیه، در این بخش صرفاً به مبانی فقهی مالیاتهای نوین که موضوع اصلی متن حاضر است، پرداخته خواهد شد.

برخی اندیشمندان^(۱) با این استدلال که اصل حکومت ضروری است و از سوی دیگر تامین تمامی نیازهای معقول حکومت نیز ضروری است؛ به ضرورت جواز اخذ مالیات رسیده اند. (یوسفی، ۱۳۷۹: ۲۵۴).

به بیان دیگر تشکیل حکومت و گزینش راه هایی برای برآوردن هزینه های آن از مسائل فطری و عقلانی است. در نتیجه باید گفت اخذ مالیات از احکام «امضائی» است که پیش از اسلام وجود داشته و عقل نیز به آن حکم می کند و مادام که شارع آن را منع نکرده باشد صحیح است. و چون «منع شارع» وارد نشده، پس جواز اخذ مالیات، استتاج می شود. (بهداروند، ۱۳۸۵: ۲۹۷-۳۰۱)

۱-۲-۱ احکام ثانویه

برخی وضع مالیات را از باب احکام ثانویه جایز می دانند. در واقع معتقدند که در فقه اسلامی مالیات به مفهوم فعلی آن معادلی ندارد بلکه به حکم اجماع و نص، با عنایت به اصلت عدم جواز تصرف در مال غیر، دولت حق اخذ مالیات را از مردم نخواهد داشت. لکن «ضرورت» یا «مصلحت» جامعه اسلامی ایجاب می کند در صورت عدم تامین نیازهای مالی حکومت، برای حفظ حکومت اسلامی، مالیات اخذ شود و به محض رفع این ضرورت یا مصلحت جواز اخذ مالیات ساقط خواهد شد. (بهداروند، ۱۳۸۵: ۳۰۱-۳۰۴).

۱-۳-۱ ادله ولایت و جواز صدور حکم حکومتی

برخی معتقدند که فقط از طریق ادله ولایت می توان مشروعیت مالیات های حکومتی را اثبات نمود. (یوسفی، ۱۳۷۹: ۲۶۵) طبق ادله ولایت، ولی بر جان مومنین نسبت به خودشان اولی است و به طریق اولی به اموال آنها و تصرف در آنها نیز اولویت دارد. همین استدلال را برخی در مورد ولی غیر معصوم جاری دانسته اند و همانطور که ائمه حق جعل مالیات را داشته اند، ولی غیر معصوم نیز می تواند با تشخیص خود مالیات را اخذ نماید (بهداروند، ۱۳۸۵: ۳۰۴-۳۰۷). به عنوان مثال شهید مطهری معتقد است که تمامی فقها اتفاق نظر دارند که به خاطر مصلحت بزرگ تر باید از مصلحت کوچک تر دست کشید و به خاطر مفسده بزرگ تری که اسلام دچار آن شده است باید مفسده های کوچک تر را تحمل کرد. در این

کبرای کلی هیچ شکی وجود ندارد. مثلاً در وضع «مالیات» که یک امر متغیری است و از اختیارات حکومت اسلامی و حاکم اسلامی می‌باشد، در صورت مصحلت جامعه و نیاز عمومی می‌توان آن را به صورت تصاعدی وضع کرد. حتی اگر ضرورت تعدیل ثروت اجتماعی اقتضا کند می‌توان مالیات را به شکلی وضع کرد که از مجموع درآمد مقدار کمی به مالک برسد (مطهری، ۱۳۶۴: ۱۲). شهید بهشتی نیز معتقد است که مالیاتهای چهارگانه مشخص و کمکه‌های داوطلبانه مردم کم است و بودجه حکومت با آنها تأمین نمی‌شود. اداره جامعه اسلامی بدون یک نظام مالیاتی که مشتمل بر وضع مالیاتهای جدیدی است و در آیات و روایات به آنها تصریح نشده، ممکن نیست. بنابراین لزوم اخذ مالیات و نیاز به آن را نباید موقتی دانست بلکه تا هنگامی که حکومت باشد همچنان این لزوم و نیاز وجود دارد (بهشتی، ۱۳۷۸: ۱۱۱-۱۱۴).

در همین راستا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، در برخی مواقع اعمال سلطه مالکانه در دستاوردهای مشروع افراد را منع نموده است و می‌توان قائل شد که حاکم اجازه تصرف در اموال غیر من جمله اخذ مالیات را دارد. (بهداروند، ۱۳۸۵: ۲۹۶)

با وجود این ادله، برخی از اندیشمندان معتقدند برای دریافت اجباری مالیات از مردم، باید از یک سو عدم کفاف مالیات‌های اسلامی محرز باشد چراکه باید ابتدا از طریق احکام اولیه به تأمین مالی مبادرت شود، (یوسفی، ۱۳۷۹: ۲۵۶) از سوی دیگر در صورت عدم کفاف منابع مالی شرعی برای تأمین نیازهای حکومت اسلامی، ادله ولایت، احکام ثانویه و سایر ادله عقلی متضمن اخذ وجوه بی هیچ قید و شرطی نیستند، بلکه مصالح عام غیر ضروری مانند زیبا سازی معابر عمومی هر چند متضمن فایده عقلایی است ولی تأمین آن از طریق ادله ولایت، احکام ثانویه و یا حکم عقل از سوی ایشان با تردید جدی مواجه است. (کیا الهی، ۱۳۸۹: ۲۳۴-۲۳۶) در مقابل نیز دیگران با عنایت به ابتدای تصمیمات حاکم جامعه اسلامی بر مصلحت مسلمین و عدم محدودیت آن به ضروریات، حکم به جواز اخذ مالیات در این امور داده‌اند. (بهداروند، ۱۳۸۵: ۳۰۴-۳۰۷) و پرداخت وجوهات شرعی را نیز مانع از لزوم پرداخت مالیات نمی‌دانند. البته مالیاتی که هر سال پرداخت می‌گردد از مؤونه سال خمسی وقت پرداخت مالیات محسوب می‌شود، یعنی به خود مالیاتی که پرداخت

می‌شود خمس تعلق نمی‌گیرد و پرداخت خمس آن لازم نیست.^(۱) در نهایت با عنایت به ادله پیش گفته و همچنین برخی ادله عقلی و نقلی دیگر که در باب مشروعیت اخذ مالیات ذکر شده است، دو نوع سیستم مالیات ستانی (مالیات‌های اولی و مالیات‌های ثانوی) در کشور رایج شده است. البته ترویج دو نوع سیستم مالیاتی از لحاظ تاریخی به زمان ورود اسلام به کشور باز می‌گردد.

۲-۶- مبانی حقوقی

برای بررسی دقیق تر مبانی حقوقی اخذ مالیات باید فلسفه حقوق و فلسفه اخلاق به عنوان بنیان شکل گیری مفاهیم حقوقی مورد بررسی قرار گیرند. پیش از ورود به مباحث مزبور لازم است این مطلب مد نظر قرار گیرد که مفهوم مالیات و مشروعیت اخذ آن با مبانی مشروعیت حکومت مرتبط هستند و اگر مشروعیت حکومت مورد اثبات قرار گیرد، راه های تامین هزینه های آن نیز متعاقبا قابل اثبات است. در این مبحث به صورت کوتاه برخی از مهمترین مبانی مشروعیت و عدم مشروعیت مالیات مورد بررسی می‌گیرد:

مبانی اخذ مالیات رابطه نزدیکی با مبانی مشروعیت حکومت دارد. دیدگاه های متفاوتی در باب مشروعیت حاکمیت ارائه شده من جمله حاکمیت الهی، اراده انسان (نظریه قرارداد اجتماعی، نظریه رضایت، نظریه اراده عمومی)، نظریه عدالت، نظریه مطلق ارزش های اخلاقی و.... علاوه بر این باید به منشاء مشروعیت قانونگذاری همچون مکاتب حقوق طبیعی، پوزیتیویسم، اسلام و... نیز توجه نمود. در هر حال به صورت مجمل دو مبنای فکری پر اهمیت که دیدگاه های متفاوتی در باب مالیات داشته اند مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۶-۱- غایت گرایی

طرفداران آزادی فردی (لیبرترین ها) بر مبنای تئوری عدالت معتقدند هر فرد به طور کامل بر خود و بسیاری از اشیاء خارجی مالکیت دارد. از سوی دیگر فرد تعهدی به پرداخت مالیات (به عنوان بخشی از سرمایه خود) برای جبران هزینه فعالیت های دولت ندارد (Nozick, 2006: 19). در مقابل اینگونه استدلال می‌شود که در حقیقت دولت با دریافت مالیات، به شهروندان این حق را اعطا می‌نماید تا آنها در قبال خدماتی که انتخاب

۱. imam-khomeini.ir (پرداخت مالیات آیا کفایت از وجوه شرعی می‌کند و مالیات دهندگان می‌توانند به مقدار آن از خمس کم کنند و بالعکس به اندازه وجوهاتی که به مراجع می‌پردازند از مالیات کسر نمایند؟)

می‌نمایند بهاء آن را پرداخت نمایند. به عبارت ساده تر آنها بر اساس اصل تسلیط بر خود، مفهوم مالیات را نمی‌پذیرند و آن را با پرداخت بهاء خدمات خصوصی جایگزین می‌نمایند. با گسترش این مفهوم دولت به میزان قابل ملاحظه ای حداقلی تبیین می‌شود (Rothbard, 1998: 55).

۶-۲-۲. قرارداد اجتماعی

علی رغم مخالفت با نهاد مالیات به عنوان یکی از محدودیت های نامشروع بر آزادی فردی که با مالکیت فرد بر خویشتن خویش در تعارض است؛ عده ای با استناد به مفهوم قرارداد اجتماعی و حق انتخاب حاکمیت، بر مشروعیت مالیات صحنه گذاشته اند. این تئوری که به یکی از اساسی ترین مبانی مشروعیت حکومت شهرت یافته است در جهت توجیه مشروعیت اعمال دولت مانند اخذ مالیات نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. زیرا دولت مشروع برای تامین هزینه های جاری خود از طرق متعدد صالح شناخته شده است. ولی این نظریه نیز فارغ از انتقاد نیست زیرا دولت منتخب علیه کسانی که به این قرارداد نپیوسته اند از قوه قاهره جهت اهداف خود استفاده می‌نماید. این مسئله مبنای رضایتمندی را با چالش مواجه می‌نماید. زیرا رضایت یک فرد، رضایت دیگری محسوب نمی‌شود (Spooner, 1867: 7).

به عنوان نتیجه می‌توان قائل به این بود که هرچند فرد بر خود مالکیت (چه به عنوان موهبتی الهی و یا بالذات) دارد و طبیعتاً بر مایملک خود تسلط دارد، ولی برای تامین امنیت اجتماعی و اقتصادی خود، به حکومت نیازمند است و لازمه تشکیل حکومت نیز تامین هزینه های آن است و هر فرد معقولی به طور ضمنی رضایت دارد که برای بهره مندی از مایملک خود، این هزینه ها را تامین نماید.

۶-۳. مالیات در حقوق داخلی ایران

در قانون اساسی اصل ۵۱ مقرر می‌دارد «هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون. موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.» که بیانگر اصل قانونی بودن وضع مالیات است تا از هر نوع سوء استفاده احتمالی مجریان قانون جلوگیری شود.

هم اکنون قانون تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱، قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶

با اصلاحیه های بعدی آن و قانون مالیات بر ارزش افزوده سه قانون اصلی مالیاتی کشور می باشند. قانون مالیات بر ارزش افزوده عمدتاً معطوف به «عرضه کالاها و ارائه خدمات» است و پایه مالیاتی هدف در همین مورد تدوین شده است. قانون مالیات های مستقیم نیز پایه های مالیاتی گسترده تری را مورد تقنین قرار داده است. در قانون مالیات های مستقیم، در ابتدا قانون گذار دو دسته کلی مالیات بر دارایی و مالیات بر درآمد را متمایز نموده و برای هر بخش مواردی را به عنوان ماخذ مالیاتی در نظر گرفته است. در مالیات بر دارایی مواردی همچون مالیات سالانه املاک، مالیات مستغلات مسکونی خالی، مالیات بر اراضی بایر، مالیات بر ارث و حق تمبر ذکر گردیده اند که مالیات بر اراضی بایر و مستغلات مسکونی خالی با اصلاحیه های آتی حذف شده اند. در بخش مالیات بر درآمد نیز درآمد حاصل از املاک، کشاورزی، حقوق، مشاغل، اشخاص حقوقی، درآمد اتفاقی، جمع بر درآمد ناشی از منابع مختلف را با نرخ های متفاوت، را مشمول مالیات قرار داده است. (دوانی، ۱۳۹۱: ۱۷-۲۵) برای این قوانین مجموعه ای از آیین نامه ها، آراء شورای عالی مالیاتی، تصویب نامه ها، دستورالعمل ها، بخشنامه ها، آراء دیوان عدالت اداری و فرامین رهبری وجود دارد که بدون توجه به آنها نمی توان درک صحیحی از اجرای قوانین مالیاتی داشت، ولی به طور کلی می توان گفت قوانین مزبور دارای ابهامات فراوانی هستند و حجم بالایی از مقررات برای رفع ابهامات این قوانین اصلی شکل گرفته است. در کل می توان گفت مالیاتها در نظام حقوقی ایران چه در حالت مستقیم یا غیر مستقیم خود نتوانسته اند به اهداف قانونگذار دست یابند. سهم پایین مالیات ها در تامین هزینه های بودجه، فشار مالیاتی بر اشخاص حقوقی خصوصاً شرکت های خصوصی، بالا بودن وقفه های مالیاتی، زیاد بودن معافیت های مالیاتی، ضعف قوانین تنبیه و تشویق مودیان و مامورین اجرا، عدم تخصیص بهینه منابع، عدم تناسب جرایم مالیاتی با تخلفات صورت گرفته (جنانی، ۱۳۸۰: ۸۵) و... در کنار ایرادات مبنایی فقهی که برخی از آنها در فوق ذکر شد؛ سبب شده که شاخص های ارزیابی نظام مالیاتی ایران در وضع مطلوبی قرار نگیرد و ساختار مالیات ها برای تامین بخش اصلی هزینه های عمومی کارایی لازم را نداشته باشد (پژویان، ۱۳۸۹: ۹).

۷- جمع بندی

تشکیل حکومت اسلامی یکی از الزامات دینی است. حکومت اسلامی برای تشکیل و بقاء خود لاجرم به ایجاد نهادهایی منطبق بر اندیشه های اسلامی نیازمند است. تشکیل نهادهایی منطبق با تفکر اسلامی راهبردی طولانی مدت جهت تحقق تمدن اسلامی محسوب می شود و نیازمند مجاهدت های علمی طولانی مدت محققین خواهد بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی هر چند بسترهای رشد علوم اسلامی شکل گرفت ولی وجود نهادهای متعدد منطبق با تفکرات اندیشمندان غربی، سبب بروز تعارضات بسیاری در بافت های اجتماعی شد. مالیات و اخذ آن نیز از این موضوع مصون نماند. اداره امور مالیاتی که تا پیش از تشکیل انقلاب اسلامی به عنوان نهادی غیر شرعی و به اصطلاح عامه باج گیر در جهت اعانت به فسق و فجور رژیم ستم شاهی، شناسایی می شد، اکنون با دمیدن روح انقلابی در آن می بایست برای تامین نیازهای دولت اسلامی فعالیت نماید؛ ولی رکود تفکرات اندیشمندان در بازار اندیشه اسلامی سبب شد که جامعه دچار تعارضی دیگر گردد. مالیات نهادی نبود که مستقیماً مورد جعل شارع قرار گرفته باشد و از سوی دیگر مدلی برای سنجش میزان توانمندی مالیات های اسلامی مانند خمس، زکات و... در تامین نیازمندی های دولت اسلامی ارائه نشده بود. مسئله وقتی بغرنج می شد که پرداخت وجوهات شرعی با مالیات همراه می شد به عنوان مثال در مسئله خمس مودی نمی توانست بپذیرد که علاوه بر پرداخت ۲۰٪ از مازاد درآمد خود، مالیات دیگری نیز بپردازد. هر چند که تا کنون مدلی مشخص برای پاسخ گویی به این سوالات ارائه نشده ولی با گذر زمان، افق هایی روشن جهت رفع این تعارضات به وجود آمده است.

در نهایت می توان گفت حکومت ها از اخذ مالیات ناگزیر هستند و اخذ مالیات برای تامین هزینه های عمومی الزامی است. از آنجا که فقه مهمترین معیار قانونگذاری اسلامی است باید به نوعی میان مبانی تشکیل حکومت اسلامی و اخذ مالیات راه حلی اتخاذ نمود تا بتوان به تحلیلی جامع تر در این زمینه دست یافت زیرا این دو نهاد لازم و ملزوم یکدیگرند و اثبات یکی لاجرم به اثبات دیگری می انجامد و نفی یکی از آنها دیگری را نیز نفی می کند. اگر فقط جعل شارع ملاک قرار گیرد باید قائل بود که مالیات در حکومت اسلامی مآخذ بسیار محدودی دارد و فقط چند پایه ثابت همچون خمس و زکات را در اختیار دارد و تعریف حکومت به نوعی حکومت حداقلی و محدود خلاصه می شود. البته

برخی معتقدند اخذ صحیح خمس و زکات می‌تواند جوابگوی تمامی نیازها حکومت اسلامی باشد و میزان قابل توجهی از هزینه های عمومی را جبران نماید. (بی آزار شیرازی، ۱۳۷۷: ۱۰۸)^(۱) و در مقابل اگر قائل به امضائی بودن نهاد مالیات باشیم محدودیتی در قبال مفهوم حاکمیت و اندازه دولت وجود نخواهد داشت. برخی نیز راه حل میانه را برگزیده اند و بر حسب ضرورت یا مصلحت جامعه اسلامی، اخذ مالیات را مشروع می‌دانند، در نتیجه میزان خدمات عمومی، اندازه دولت و به تبع اندازه ابزار تامین مالی آن را معین خواهد نمود.

منابع مرتبط جهت مطالعه بیشتر

- دادگر، یدالله؛ مالیه عمومی و اقتصاد دولت؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس: ۱۳۸۴.
- طیبنیا، علی؛ مالیات بر ارزش افزوده (VAT) [وی ای تی] مروری بر ادبیات موضوع و تجربیات؛ تهران: سازمان امور مالیاتی کشور: ۱۳۸۳.
- عباسی، عبادالله؛ مطالعه نظام مالیاتی ایران بر مبنای قانون مالیات‌های مستقیم؛ قم: انشراح : ۱۳۸۷.
- مظفری، هاشم؛ مبانی مالیات؛ اردبیل : مهرغزال: ۱۳۸۷.
- مالیات در نظام اسلامی، تقوی دامغانی، رضا؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی: ۱۳۶۹.

۱. بدیهی است در صورتیکه منابع مالی حاصل از زکات و خمس مستقیماً وارد بودجه عمومی دولت شوند می‌توان از آنها به عنوان یک اهرم نیرومند در سیاستگذاریهای مالی و در چالشهای حکومتی بکار گرفت کما اینکه در صدر اسلام، درآمدهای دولت اسلامی مانند زکات از اغنیای هر شهر گرفته می‌شد و به خزانه عمومی همان شهر واریز و میان نیازمندان توزیع می‌گشت. اضافات آن نیز برای پیغمبر (ص) به مدینه فرستاده می‌شد تا در بیت المال نگهداری شود. در آن زمان هر شهر برای خود بیت المال خاص زکات داشت و در مقر حکومت، بیت المال عمومی بود که مابقی زکات و خمس و غنایم و... به آنجا واریز می‌شد. (بی آزار شیرازی ۱۳۷۷: ۱۰۸) محقق به طور کلی معتقد است که خمس و زکات اگر: ۱- درست تدوین گردد (مثلاً میزان و پایه های آن در دست ولی باشد که احادیثی نیز در این زمینه موجود است) ۲- بصورت الزامی اخذ گردد ۳- شامل اکثریت افراد جامعه شود، نه تنها کم نیست بلکه میزان قابل توجهی می‌شود که می‌توان از آن ذخیره نیز نمود.

منابع و مأخذ

کتاب فارسی

۱. بهداروند، محمد مهدی؛ منابع مالی در حاکمیت فقیه (برگرفته از درس خارج فقه علامه محمد مومن قمی)؛ چ ۱، قم: صبح میثاق: ۱۳۸۵.
۲. مطهری، مرتضی؛ اسلام و مقتضیات زمان؛ ج ۲، قم: انتشارات صدرا: ۱۳۶۴.
۳. بهشتی، محمد؛ اقتصاد اسلامی؛ چ ۷، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی: ۱۳۷۸.
۴. لشکری، علیرضا؛ نظام مالیاتی اسلام؛ چ ۱، تهران: پایگان: ۱۳۸۰.
۵. حبیبیان نقیبی، مجید؛ همگرایی مالیات‌های اسلامی و مالیات‌های موجود و جدید؛ قم: انتشارات دانشگاه مفید: ۱۳۹۰.
۶. کیا، الحسینی، سید ضیاء الدین؛ جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آنها؛ قم: انتشارات دانشگاه مفید: ۱۳۸۹.
۷. یوسفی، احمد علی؛ نظام مالی اسلام؛ تهران: مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی: ۱۳۷۹.
۸. پورفرج، علیرضا؛ مجموعه مقالات سومین همایش مالیات‌های اسلامی (نقش مالیات اسلامی زکات در رشد و توسعه اقتصادی در مقایسه با مالیات‌های متعارف)؛ چ ۱، قم: انتشارات دانشگاه مفید: ۱۳۹۰.
۹. دوانی، غلامحسین؛ مجموعه قوانین مالیات‌های مستقیم؛ چ ۲۵، تهران: انتشارات اصلانی: ۱۳۹۱.
۱۰. توکلی، احمد؛ مالیه عمومی؛ چ ۸، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت): ۱۳۸۷.
۱۱. منتظری، حسینعلی؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی؛ مترجم: صلواتی، محمود، ج ۶، قم: کیهان: ۱۳۸۹.

مقالات فارسی

۱. رضایی زاده، محمد جواد؛ نقش و جایگاه شورای عالی مالیاتی در نظام مالیاتی کشور و نظارت دیوان عدالت اداری بر آن؛ فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۸.
۲. جاوید، فریما؛ تعامل عدالت و دولت در ایران باستان با تأکید بر تحقیقات تاریخی

- در حقوق هخامنشیان؛ فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸.
۳. دادگر، یدالله؛ اندازه بهینه دولت در کشورهای منتخب اسلامی؛ جستارهای اقتصادی، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۳۸۷.
۴. رضایی دوانی، مجید؛ اصلاح ساختار و بسط پایه های مالیاتی در تطبیق با الگوی مالیاتهای اسلامی با تأکید بر مالیات بر عایدی سرمایه؛ پژوهشنامه مالیات، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۹۰.
۵. بی نا؛ عوارض و مالیات مجموعه حقوقی؛ وزارت دادگستری، شماره ۳۰۱، اسفند ۱۳۳۰.
۶. کیاء الحسینی، سید ضیاء الدین؛ ملاحظات پیاده سازی مالیاتهای اسلامی؛ پژوهشنامه مالیات، شماره ۵۹، پاییز ۱۳۹۰.
۷. رضایی دوانی، مجید؛ ویژگیهای منابع مالی دولت اسلامی و اثر آن بر سرمایه گذاری اقتصادی؛ پژوهشنامه مالیات، شماره ۴۹، تابستان ۱۳۸۷.
۸. جنانی، افشین؛ اقتصاد ایران: آسیب شناسی نظام مالیاتی؛ مجله اقتصادی، شماره ۲، آذر ۱۳۸۰.
۹. پژویان، جمشید؛ اصلاحات ساختاری در نظام مالیاتی ایران؛ پژوهشنامه مالیات، شماره ۵۶، بهار و تابستان ۱۳۸۹.

کتاب عربی:

۱. کلانتری، علی اکبر؛ الجزیه و احکامها فی الفقه الاسلامی؛ قم: موسسه النشر الاسلامی: ۱۳۷۴.
۲. النجفی الجواهری، محمد حسن؛ جواهر الکلام؛ ج ۲۱، تهران: دار الکتب الإسلامیة: ۱۳۷۸.

English Books:

- Gibbon, Alexander; Taxation_its nature and properties; Londen: Henry Colburn Publication: 2011.
- Rothbard, Murray ;The Ethics Of Liberty; New York: New York University Press:1998.
- Jones, Robert; The Nature and First Principle of Taxation; New York: Cornell University Library Publication: 2009.
- Garner, Bryan; Black's Law Dictionary Standard; Ninth Edition, Minnesota: West Publishing: 2009.
- Smith, Adam; The Wealth of Nations; Blacksburg: Thrifty Books Publication: 2009.

6. Balachandran, Bala V; Taxation Law And Practice, Vol 1, New Delhi, PHI Learning Pvt: 2012.
7. Murphy, Liam; The Myth of Ownership: Taxes and Justice; London: Oxford University Press: 2002.
8. Spooner, Lysander; No Treason; Boston: Published By The Author: 1867.
9. Nozick, Robert; Anarchy_State and Utopia; Columbia: Acumen Publishing: 2006.
10. Fillebrown, C.B.; Taxation; United States: BiblioBazaar Publisher: 2010.
11. Lal, Braj Basi; Income Tax; second edition, New Delhi: Pearson Education Limited Press: 2012.
12. A. Tait, Alan; Value Added Tax: International Practice and Problems; U.S.A: International Monetary Fund, Mishawaka: 1988.
13. Netzer, Dick; The Property Tax Land Use and Land Use Regulation; Norwich: Edward Elgar Pub : 2003.

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم «مالیات»

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۱۰۶

تاریخ: ۱۳۹۲/۱۱/۲۷

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایضا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)